

کتاب

تعصب، ماهیت و پیامد های آن

قسمت نهم

فصل سوم

به ادامه تعصب جنسی:

بیشترین سهم را در تعصب جنسی، نابرابری حقوقی زنان جامعه ما و ادامه بلانقطاع فرهنگ مرد سالاری همانا بیسوادی، نا آگاهی زنان جامعه ما از خود، جامعه و ماحولشان میباشد و همچنان زنان در برابر همه مسایلی که به سرنوشت شان مرتبط میباشد منفعل اند. هکذا بی باوری و نبود اعتماد به نفس برای مشارکت در کلیه امور اجتماع و سیاست با اضافه احوال خشونت علیه زنان از جمله عوملی اند که تعصب جنسی را علیه زنان در جامعه افغانی به معراج رسانیده است. موجودیت روحیه و فرهنگ مرد سالار در ارگانه های حراست از قانون، عدلی، قضایی، ضعف ارگانه های تأمین نظم عامه، نازل بودن سطح آگاهی مردم از حقوق انسانی، نقش نازل مردم خاصاً زنان در رفاه، ترقی و پیشرفت، و نبود تفکر منافع ملی در میان مردم و قشر اداره کننده، این نوع تعصب را بیشتر از مجاری مختلف سیاسی، اجتماعی و اداری محکم نگه میدارد.

تجربیات روانشناسان میرساند که تعصب جنسی به اشکال زن ستیزی که در بالا تذکر دادم بر علاوه رکود اجتماعی و اقتصادی باعث افسردگی های کتلوی زنان، افزایش ناراحتی ها و امراض روانی در میان زنان، ضعف در عملکرد ذهنی زنان و دختران، ضعف جسمی و ارتقای گراف خود کشی و خود سوزی در میان زنان و دختران جوان در همچو جوامع گردیده است. از تحلیل وضعیت تعصب جنسی در افغانستان بر می آید که عده قابل توجهی

سیاستگران و دست اندر کاران امور سیاسی، اجتماعی، پلان گذاران امور اقتصادی و فرهنگیان به خوبی میدانند که در اصل مشارکت برای رفاه اجتماعی، ترقی و تعالی کشور و بهبود سطح زنده گی مردم مهمترین مشارکت همهٔ مردم منجمله زنان منحیث نیمی از ساکنین با اهمیت کشور ضروری و لازمی میباشد اما متأسفانه بنابر حاکمیت بلاقید و شرط فرهنگ مرد سالاری زنان پیوسته از این روند حذف میشوند. این سیاستمداران و پلان گذاران با دلایل مؤجه و نا مؤجه از قبیل بیسوادی و نا آگاهی زنان و نداشتن اطلاعات کافی از حقوق انسانی و وجایب اجتماعی، عدم پذیرش زنان در بسیاری از موقعیت های شغلی اداره کننده که مردان آنرا توهین به خود میدانند، عدم اعتنا به باور ها عقیدتی و نگرش های زنان، عدم اعتماد بالای زنان بنابر بی باوری و نبود اعتماد به نفس زن ، موجودیت قدرت انحصاری مرد در تمام سطوح اداره کشور که در این سیستم زنان خود را غیر مصئون احساس میکنند، زنان هیچنوع کنترل بر ثروت و منابع تعیین کننده در جامعهٔ ما ندارند، متفرق بودن و نبود اتحاد همهٔ زنان برای رسیدن به امیال شان، بنابر موجودیت تابو های فرهنگی که بسیاری از آنها بوسیله زنان در جامعه رعایت بیدریغ و محافظت میگردند و سوء استفاده از نقش سنتی جنسیتی زنان چون مادر و پرورش دهنده و سایر عوامل جلوگیری از حساسیت ها اجتماعی از مشارکت زنان چشم پوشی میکنند و همچنان با زن تعصب میورزند. این نگرش نه تنها زنان را از مشارکت عمومی باز میدارد بلکه آزادی های آنها را محدود تر ساخته و زمینه های با سواد شدن، کسب آگاهی، جامعه پذیری، تأمین سلامت جسمی و روحی آنها و ارتقای ظرفیت ها و توانمند سازی آنانرا نیز سد میگردد. در تحت تأثیر این فرهنگ تعصب بار، زن ستیز و این نگرش نخبه گان، سیاستگذاران و پلانگذاران فشار ناروای بیشتر بر زنان تشدید یافته و باعث میگردد انها از مشارکت و تصمیم گیری ها بدور بمانند و جامعه روز تا روز به قهقرا رهنمون است.

سازمان ملل متحد در گزارش سالانهٔ خود که بتاریخ ۱۲ جون سال ۲۰۲۳ ارائه کرد، تصریح کرد که «تعصبات جنسی و فشارهای فرهنگی» مانع اصلی توانمندسازی زنان در ده سال اخیر بوده است... رسیدن جهان به برابری جنسیتی تا سال ۲۰۳۰ با وجود تداوم نابرابری های جنسیتی در طول دهه گذشته، بعید به نظر می رسد.

این گزارش سازمان ملل متحد بر مبنای اطلاعات و گزارشات بین سالهای ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۴ و از سال ۲۰۱۷ تا سال ۲۰۲۲ از کشور هایی تهیه گردیده است که ۸۵ فیصد نفوس جهان را تشکیل میدهند.

در این گزارش تصریح گردیده است که، تقریباً از هر ۱۰ مرد و زن، ۹ نفر دارای تعصب جنسیتی علیه زنان هستند.

هریبرتو تاپیا Hariberto Tapya، مشاور تحقیق در پروگرام مشارکت و توسعه سازمان

ملل متحد و یکی از نویسندگان این گزارش، گفته است که میزان بهبود نابرابری جنسیتی در طول زمان مورد بررسی «نامیدکننده» بوده است.

نظرسنجی این نهاد بین‌المللی همچنین نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از مردم جهان فکر می‌کنند مردان، رهبران سیاسی بهتری هستند و ۴۳ فیصد هم مردان را مدیران تجاری بهتری می‌دانند.

آروآ سانتیاگو Arwa Santiago، متخصص جنسیت در اقتصادهای جهانی در پروگرام توسعه سازمان ملل متحد در مصاحبه با رویترز گفت: «ما باید تعصبات جنسی و هنجارهای اجتماعی را تغییر دهیم، اما هدف نهایی تغییر روابط قدرت بین زنان و مردان، بین مردم است.

گرچه در آغاز این مبحث در قبال تعصبات جنسی در قبال گرایش‌های جنسی در انواع افراد ترانس، همجنس‌گرا یا همجنس‌باز، دو جنس‌گرا یا دو جنس‌باز، همه جنس‌بازها، هیتروها، ایزک‌ها و سایرین اشارت مختصر کردم اما لازم دیده می‌شود تا نخست روشنی مختصری در باره هویت جنسی و انواع گرایش‌های جنسی یا انواع جنسیت‌ها انداخته شود و بعد از آن چگونگی تعصب جنسی در برابر این گرایش‌ها را در جوامع انسانی بررسی کنیم.

هویت جنسی عبارت از خصوصیات فیزیکی اندام انسانی بوده که برویت اندام تناسلی انسان دسته‌بندی می‌گردد و شامل مرد و زن و ایزک یا مذکر و مونث و خنثی می‌گردد. اما دانشمندان خاصاً فیزیولوگ‌ها و روانشناسان دریافته‌اند که این هویت بیشتر بستگی به احساس درونی، تمایلات و گرایش‌های عاطفی شخص مرتبط می‌باشد. از آنجاست که گرایش‌های جنسی بیشتر معرف هویت جنسی گردید و امروز در سرتاسر جهان بمنظور رسمیت‌شناسی این گرایش‌ها زیر عنوان هویت جنسی تلاش‌های فراوان جریان دارد.

گرایش‌های جنسی عبارت از عواطف و تمایلات جنسی و عاشقانه یک فرد به افراد دیگر با جنسیت‌های زن، مرد، خنثی و یا ترانس می‌باشد. مطالعات علمی در این عرصه نشان داد که تمایلات جنسی بخش‌های مهم وجود انسانها بوده و از همین‌جا تمایلات و دیدگاه‌های ما در قبال خود و آنها یکی با ایشان روابط فیزیکی برقرار می‌کنیم معین می‌گردد. پس معلوم است هویت‌های غیر از دوجنسیت معمول و مشهور نیز وجود دارند.

هم اکنون دانشمندان چندین انواع گرایش‌ها و تمایلات جنسی را که هویت دارندگان را معین میکند شناسایی کرده اند اما در کلیت آنرا به پنج نوع تمایلات جنسی تقسیم بندی کرده اند که عبارت اند از:

۱: دگرجنس‌گرا (heterosexual)

افراد گروه دگرجنس‌گرا ها، از نظر عاشقانه و فیزیکی به اعضای جنس مخالف خویش علاقه داشته و این گرایش و تمایل را همچنان گرایش معمولی یا (straight) هم میگویند و بخش اعظم جوامع انسانی شامل این گروه میباشند.

۲: همجنس‌گرا - همجنس‌باز (homosexual)

شاملین این دسته از نظر عشقی و فیزیکی بصورت قطع تمایل به افراد همجنس خویش داشته در گذشته ها افراد شامل این کتگوری را همجنس‌باز می‌گفتند، ولی هم اکنون غرض جلوگیری از مفاهیم تعصب بار آنها را به دو گروپ جداگانه مردان همجنس‌گرا (gay) و زنان همجنس‌گرا (Lesbian) تقسیم کرده اند.

۳: دو جنس‌گرا (bisexual)

دو جنس‌گرا یا بی سیکسویل، به افرادی که به هر دو جنس یعنی هم مرد هم زن علاقه نشان می دهند گفته می شود.

۴: بدون گرایش جنسی (asexual)

شاملین این گروه هیچ علاقه جنسی و آمیزشی به هیچ جنسی ندارند. گفته میشود یک فیصد مردم جهان شامل این دسته میباشد.

۵: هر جنس‌گرا - همه جنس‌گرا (pansexual)

شاملین این گروه به همه جنس‌ها علاقمند میباشند.

برعلاوه این گرایش‌ها گروه‌های از قبیل دوجنس‌گرایی (Androgynsexual) که هم خصوصیات زنانه و هم خصوصیات مردانه دارند، زنانی که اندام مردانه دارند و یا مردانی که اندان زنانه دارند نیز وجود دارد. در کنار تعصب جنسی علیه زنان همچنان تعصب شدید خشونت‌بار علیه، همه این گروه‌هایی که در بالا از آنها یادآوری کردم در سراسر جهان وجود دارد.

در افغانستان هم در میان مردم عوام و هم در قشر حاکمیت اساساً بغیر از هویت‌های مردانه و زنانه سایر هویت‌ها و گرایش‌ها جنسی پذیرفتنی نیستند و دارندگان سایر گرایش‌ها و تمایلات شدیداً در رنج و عذاب اند و حرکات شان در جامعه مورد آزار و تمسخر قرار گرفته و با تعصب و خشونت استقبال می‌گردند. بسیاری از دارندگان سایر هویت‌ها سعی میکنند جامعه و اطرافیان از هویت شان آگاهی حاصل نکند و

همچنان در زندان عمومی بسر میبرند و رنج فراوان میکشند. که بسیاری از عوامل خوکشی ها و خود سوزی ها در افغانستان ریشه درآشفتهگی های جنسی و اختلالات عصبی ناشی از تمایلات و گرایشات جنسی متصور است.

در دین اسلام تأمین روابط فزیک و عشقی تنها بین مرد و زن که همسر نکاحی و یا صیغه ای هم باشند مجاز است و سایر همه انواع گرایشات و تمایلات جنسی جزو گناهان کبیره و حرام محسوب میگردند و از جانب متولیان دینی و فقها مجازات سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است.

از اینجااست که در کشور ما تعصب جنسی یا جنسیتی در معراج قرار داشته و جامعه برای رفع این معضله بسیار آهسته و غیر محسوس گام بر میدارد.

مهمترین عامل عقب ماندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور ما افغانستان ریشه در همین تعصب جنسی دارد. چنانچه گاندی میگفت: افسوس می خورم از این که بسیاری از پدرها و مادرها در امر تربیت دخترانشان سهل انگاری جنایت آمیزی در پیش می گیرند و انها را نسبت به پسرها در جهل بیشتری نگه می دارند، با علم و ادب آشنایشان نمی کنند و می کوشند تا دختران را هر چه بهتر به منظور جلب شوهر ثروتمند بار آورند.

همین است تعصب جنسی یا جنسیتی که در کشور ما افغانستان از خانواده شروع تا آخرین مهره های اداره و حاکمیت به آن میپردازند و زنان در تحت شرایط رسوم، عنعنه، فرهنگ، باور های نادرست مذهبی آنرا پذیرا اند و کدام اقدام روشمند ملموس از آنها سراغ نداریم.

ادامه دارد